

دکتر سید اصغر محمود آبادی

استاد گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی محلات

مرتضی زلفی

دانش آموخته ی ارشد تاریخ جهانی دانشگاه آزاد اسلامی محلات

#### مقدمه

سکه شناسی بخش مهمی از علم باستانشناسی است که از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا روشنگر رویدادهای مبهم و تاریک گذشته است. با مطالعه دقیق سکه ها، تاریخ غبار آلود فراموش شده قرون گذشته آشکار شده، در معرض دید محققان و دانش پژوهان قرار می گیرد. سکه پیام آور گذشته هاست و از زمانهای دور سخن می گوید نه بر پایه شک و تردید، بلکه سند و مدرکی است که از آغاز پیدایش تغییر و تصرفی در آن راه نیافته است.

سکه تاریخ مصور آداب و رسوم، البسه، تزئینات، جنگ افزارها و گاهی معماری ملتهاست. ویکی از امتیازات مهم سکه در مقایسه با اشیاء و یافته های دیگر باستانی، صحیح و سالم ماندن آنهاست. اغلب یافته های باستانشناسی از موارد فاسد شدنی، از قبیل چوب، پارچه، استخوان، پوست و غیره ساخته می شده اند که در طول زمان تحت تأثیر خاک و سایر عوامل فرساینده تغییر شکل یافته، ناقص و معیوب گردیده اند، اما چون سکه ها از فلزاتی مانند طلا و نقره و آلیاژیایی مانند برنز ساخته شده اند نسبت به یافته های دیگر بسیار مقاوم بود.

سکه سندی است مکتوب و کتابی کوچک اما پر محتوی که بعضی از دوران های تاریخی را فقط با مطالعه و بررسی آن می توان روشن و آشکار ساخت. و علم سکه شناسی را می توان یکی از مهمترین بخشهای دانش باستان شناسی دانست که سندی معتبر و غیره قابل انکار است. و سکه از طرفی تاریخ دقیق یک حکومت یا تمدن را معرفی می کند و سکه را می توان نماینده فرهنگ آداب و رسوم و هنر و خط و زبان و مذهب هر ملت در طول تاریخ دانست.

واژگان کلیدی: هخامنشیان، سکه، سکه در یک، داریوش اول، سکه مسین، سکه سیمین

**قبل از پیدایش سکه (مرخل)**

قبل از اختراع و ایجاد سکه با وزن صحیح و مقدار معین فلز، ارتباط و داد و ستد مردم از راه مبادله صورت گرفته است. تمدن های قدیم بدون آشنائی با سکه زندگی تجارتنی خود را از راه مبادله می گذراندند. در روی نقاشیها و مجاریهای مصر قدیم، صحنه های معاملات و داد و ستد که به وسیله معاوضه صورت می گرفته است دیده می شود به این طریق که زارع شکارچی، و گله دارد در مقابل زینت آلات و ظروف ساخته شده و غیره، مشغول تعویض متاع خود هستند.

پایه مقیاس و میزان قیمتها چهار پا بوده است. مثلاً یک سه پایه برنزی دوازده گاو ارزش داشت و یک کنیزک با بیست راس گاو معاوضه می شد. و بعضی از کلمات از قبیل، پول، سرمایه، دارائی و نظیر آن در پاره ای از زبانهای یونانی، لاتینی و سامی، از مشفقات یکی از کلمات مربوط به چهار پایان است. مثلاً کلمه پکونیوا کاپینال که در اصل سر حیوان است. کلمه کاپیتالیسیم یعنی سرمایه داری از آن مشتق است و لغت عربی جمله به معنی شتر و مزدمی باشد.

انواع صدفها در بعضی از ممالک خاور در آفریقا و قسمتی از آمریکا و حتی در بعضی از جزایر اقیانوس کبیر تا این اواخر به منظور مبادله و تجارت به کار رفته است. سیاحان یا مبلغین مجبور بودند مقداری از مهره های صدف یا زینت الات معمولی با خود داشته باشند تا در مقابل آذوقه حشم، یا عاج و پوست حیوانات قیمتی مبادله کنند.

در چین برای به کار بردن فلز در مقام سکه فلز، به شکل کارد و میله های باریک بوده است که بریدن آن برای وزن و تقسیم آسان است و در آمریکا تبرهای مسی و در غالب ممالک مشرق و آسیا به شکل حلقه بوده است.

مثل حلقه هایی که دمرگان در سال ۱۸۸۹ م در ارمنستان کشف کرد یا میله های مسی که در موهنجا دارو در پاکستان، این حلقه ها را می توان قدیمی ترین وسیله مبادله تا قبل از اختراع سکه دانست.

چون معامله و دادو ستد به این روش بسیار مشکل بوده و اغلب موجب ناراحتی های زیادی به دلیل تقلب در عیار فلزی شده است لذا تجار بزرگ و دولت برای سهولت در کارهای معاملاتی و اعتباری خود علامتی روی شمش ها یا حلقه ها که وزن معین ثابتی داشت ضرب می کردند که در حقیقت این علامت گذاری اولین قدم برای ایجاد سکه به شمار می آمد.

### پیدایش سکه

لزوم انضباط در امور معاملاتی و اقتصادی و ارتباط بیشتر افراد و ملتها با یکدیگر و کوشش در توسعه تجارت بین ملل و توجه به بهبود اوضاع منجر به پیدایش سکه گردید که از فلزات مختلف مانند طلا و نقره و مس و برنز و آلیاژهای گوناگون ساخته شده است که اصول اولیه آن با گذشت سالیان متمادی از پیدایش آن همچنان پابرجاست درباره تاریخچه سکه، روایات مختلف می باشد ولی آنچه که بنابر تحقیق صحیح به نظر می رسد و یا گفته بسیاری از مورخان قدیم از جمله هردوت و محققان جدید تطبیق می کند می توان گفت ، لیدی ها ، به سبب دارابودن منابع طبیعی طلا و نقره و ثروت بیکران از یک سو، فراوانی داد و ستد و روابط بازرگانی و نیاز به پول معتبر و مشخص به عنوان وسیله مبادله از سوی دیگر و نیز به خاطر داشتن زمینه هنری و ... اولین مردمانی بودند که در آغاز ، به ضرب سکه از آلیاژی به نام الکتروم اقدام نمودند که به همان اسم نامیده شد.

و به این ترتیب روش جدیدی در امور اقتصادی و تجارتي ایجاد نمودند . بنا به تحقیق دانشمندان امروز ثابت شده که اختراع سکه ، که پس از خط بزرگترین اختراع محسوب می شود . در روزگار شهریاری گیگس سر سلسله خاندان مرمننا آغاز شده است . اما دستگاه حقیقی مسکوکات ، مرکب از روفلز طلا و نقره و کار سکه زنی ، در زمان کرزوس رونق یافت و به سرعت در آسیای صغیر رایج گردید. سکه های کرزوس معروف به سکه های کرزوئید را می توان اولین سکه حقیقی دانست، زیرا هم دارای جنبه هنری است و هم تمام شرایط سکه که تا امروز رعایت می شود مانند تعهد وزن و قدرت خرید و علامت شخص در پشت و روی سکه در آن جمع می باشد .

اومستد می گوید (نخستین سکه های لیدی از فلزی که آمیخته ای از زروسیم و به عیار طبیعی بود که از ۴۰ تا ۶۰ درصد زر داشت ، روی سکه نشان لیدی پیشتنه یک شیر غران را داشت و پشتش فقط یک چهار گوش فرورفتگی جای مهر را داشت که نشان ابزار مهر زدن بود. قدیمی ترین سکه های لیدی به شکل قطعه پهن نامنظمی از آلیاژی طبیعی مرکب از نقره و طلا (الکتروم) که بر روی آن شیارهای موازی و پشت سکه چند فرورفتگی حک شده و گاهی در بعضی از این فرورفتگی ها نقش حیوانی که شبیه روباه است دیده می شود زیرا در لیدی روباه مظهر باکوس یکی از ارباب انواع مورد پرستش اهالی بوده است و در شهرهای ساحلی میله و افز نقش حیواناتی مثل شیر ، گاو ، گوزن ، خوک دریائی و غیره ، دیده می شود .

در اینجا لازم است ابتدا تعریف کوتاه از سکه داشته باشیم و بعد وضعیت سکه در امپراتوری هخامنشی مورد بررسی قرار دهیم. در یک تعریف ساده، سکه عبارت از یک قطعه فلز به وزن معین که روی آن علامت رسمی دولت یا حکومتی که عیار و وزن و ارزش آن را نشان می دهد قید شده است.

### روش ضرب سکه

سکه در گذشته و حال معمولاً به دو روش ساخته می شوند:

#### ۱- قالب ریزی ۲- ضرب

با اختراع سکه، حوزه ارتباطی محکمی ایجاد شد و مردم از معیارهای واحد و مشترکی برای ارزیابی داراییها، سود و زیان بدهیهایشان استفاده کردند. میزان، خراج، مالیات معاملات و مبادلات درون مرزی و برون مرزی بر اساس سکه ها محاسبه می شد. معمولاً سکه را با چکش ضرب می زدند و طریقه ضرب این گونه مسکوکات آسان بود. قرنها به این ترتیب عمل می کردند که ابتدا نقش پشت سکه را روی فلز محکمی که معمولاً از فولاد بود به طور معکوس و منفی حکاکی می کردند و آن را در وسط سندان کار می گذاشتند و به همان طرز عیناً نقش روی سکه را نیز در سر سنبه ای از فولاد حکاکی می کردند. پس از تعیین عیار مناسب فلزات و ذوب و شمش نمودن آن، آنها را خرد کرده به قطر و وزن لازم به صورت قطعاتی می بریدند و آن را گاخته، به ضرب فشار چکش به صورت مسکوک در می آوردند.

### سکه در دوره، هخامنشی

بی شک پیش از تشکیل دولت هخامنشی و گشوده شدن لیریه به دست کورش بزرگ، ایرانیان از اختراع پول و رواج آنها در خاک خود آگاه بودند، پس از افتادن لیدیه به دست کورش این کشور با سرزمین یونان یکی از ساتراپی های هخامنشیان گردید و سارد هم چنان پایتخت آن بود و کورش ضرب سکه را لغو نمود و شهرهای ساحلی آسیای صغیر در تمام دوران سلطنت او و کمبوجیه اجازه یافتند مانند سابق به ضرب سکه های محلی خود اقدام نمایند. البته با وجود شواهد و مدارک تاریخی سکه های طلا و نقره ای که در ضرابخانه سارد ضرب می شد چون سکه های سلطنتی بودند و تشابهی با سکه های شهری نداشتند بنابراین با برکناری پادشاه سارد سکه های معروف کرزوس متوقف گردید ولی کورش بزرگ نوع سکه های کرزوس را با اندکی تغییر و

تبدیل پذیرفته است ولی سکه های نواحی دیگر که جنبه سلطنتی و خانوادگی نداشت ضرب آنها ادامه پیدا نمود.

با وجود آنکه کورش بزرگ متوجه لزوم مسکوک و تأسیس ضربخانه بود. فرصت ضرب و انتشار سکه را پیدا نکرد و تا کنون هیچگونه مدرکی از آن به دست نیامده و کمبوجیه نیز در دوره کوتاه خود مشغول فتح مصر و جنگ با سایر اقوام آفریقائی بود

لذا تجارت و داد و ستد در زمان او و کمبوجیه براساس معاملات پایاپای که از هزاره های پیش از هخامنشیان شکل گرفته بوده برقرار بود. پس می توان اظهار کرد که قبل از داریوش اول در پارس پول پارسی صرف وجود نداشته است. اما در آسیای صغیر که سکه های طلا و نقره لید یایی ضرب می شده اند به وسیله سازمان اداری پادشاهی هخامنشی در سارد مورد استفاده بوده اند. این امکان نیز وجود دارد که «کروزئید» های نقره از زمان تسخیر سارد به وسیله کورش ضرب و رایج شده و نقش یک پول پادشاهی را بازی کرده باشند.

پادشاهان هخامنشی در تأسیس امپراتوری، سیستم پول ایران را مطابق شرایط اقتصادی جدید قرار داده و تناسبی بین ارزش طلا و نقره قایل گردیدند و آن را با زندگی تجاری ملل تابعه حکومت خود انطباق دادند.

حفظ چنین امپراطوری پهناوری براساس تشکیلات منظم اداری و دیوانی لزوم نظام واحد پولی و ارتباط اقتصادی یکسانی را طلب می کرد از این رو داریوش اول پس از آنکه نظام اداری و دستگاه مالی را قوام بخشید بر آن شد پولی به وجود آورد که در همه جا پذیرفته شود و شایسته شاهنشاهی وی باشد به ویژه در زمان وی به واسطه ی سکه های گوناگون، کار داد و ستد در هم و برهم بود و باید سکه ای به میان می آمد که در سراسر کشور اعتبار داشته باشد و برخلاف مسکوکات موجود فقط ارزش محلی نداشته باشد یا اینکه در دیاری رواج داشته باشد و در دیاری دیگر قابل پذیرش نباشد. نخستین سکه ای که از دوره هخامنشی به دست ما رسید همان سکه ی داریوش است که شهرت جهانی یافت و این سکه را به نام او «داریک» (یعنی داریوش) خوانده اند. و به هیچ وجه با کلمه زر و غیره بستگی ندارد. سکه ی داریوش یا در یک از زرناب بود «داریوش ترتیب تناسب طلا و نقره رابنابر آنچه در لیدی معمول بوده به کاربرد و براساس آن ترتیب سکه ی طلای در یک به وزن ۸/۴۱ گرم و نقره معروف به سیکل (شکل) که بر وزن ۵/۶۰ گرم. از لحاظ نقش بسیار ممتاز بود. ضرب زده و به جریان انداخت.

در مورد خالص بودن این سکه ها (عیار خوب) و خصوصیات دیگر آنها (وزن - شکل و...) محققین اتفاق نظر دارند. هرودوت از پول طلای داریوش اول و از خالص بودن فلز آن صحبت به میان آورده است. به نظر کلمان هوار جنس آنها بسیار خالص بود و خلوص مسکوکاتی که به دست آمده بسیار زیاد است.

سرپرسی سایکس می گوید (داریوش یکم اولین پادشاه ایرانی است که ضرب سکه نموده است و پول طلای ایرانی که یونانیها آن را داریک و صدوسی حبه وزن داشت و از جهت خلوص و خوش عیار بودن معروف بود).

هر سکه طلا معادل ۲۰ سکه نقره ارزش داشت و یک سکه نقره باید بایست سکه مس برابر بود. اصطلاحات پول داریوش در سراسر کشور عملی نیست بلکه در جاهای دور افتاده و مرزی داد و ستد، مانند روزگاران پیش با جنس انجام می گرفت، گاه پیشه ورانی که در ساختمان های شاه کار می کردند با آن که مزد آنها با پول حساب می شد، حق خود را باجنس می گرفتند. آنچه مسلم است رواج سکه هایی با وزن و عیار و معین برای طبقه بازرگان بسیار سودمند بود ولی فرمانروایان مناطق مختلف برای نشان داده استقلال محلی و فتودالی همواره مایل بودند که خودشان سکه بزنند.

در دوره سلطنت داریوش از برکت تمرکز و امنیت نسبی، داد و ستد فعالیت های اقتصادی در سراسر شاهنشاهی گسترش یافت. و این امر باعث شد که اندک اندک بانک ها نقش مهمی در فعالیت های اقتصادی ایفا کند و بانکداران به تقاضای اشخاص وام می دادند. مهم ترین خانواده بانکدار بابل خانواده آگیبی (اژیبی) است که اصلاً یهودی بودند و بنیانگذار بانک شخصی بنام یعقوب بود.

در سراسر کشور شاهنشاهی در مواقع عادی، ضرابخانه های سلطنتی به طور عادی و به تناسب احتیاج سکه می زدند ولی در موقع بروز جنگ شاهنشاه با تعیین یکی از امرای ساتراپی که مورد اعتماد بود، سمت نیابت خود او را مأمور تشکیل ارتش یا قوای بحری و تدارک ساز و برگ واسطه می کرد و سهم زیادی از خزانه سلطنتی به او واگذار می نمود که بنابر تشخیص و ضرورت در هر محل هر مبلغی که مقتضی بداند و موقعیت جنگی ایجاب کند سکه بزند.

بنابراین در امپراطوری هخامنشی انواع مختلف سکه های مشروح زیر ضرب می شد.

۱- سکه های شاهنشاهی ۲- سکه های ساتراپ ها ۳- سکه ایالتی یا تصویر شاهنشاه

۴- سکه های محلی مربوط به محلی که زیر سلطه ی پارسها بودند.

سکه های شاهنشاهی بیشتر همان سکه های دریک طلا و شکل نقره بودند که توسط شاهنشاه ضرب می شدند و در روی هر دو تصویر شاهنشاه ضرب شده بود. «داریوش مقارن ضرب سکه استاتر از طلای خالص به نام خود سکه ی نقره دیگری با همان شکل در یک و متناسب با آن بوجود آورد. سکه جدید (واحد پول نقره مانند دریک که واحد پول طلا بود بنام درخم با وزن ۵/۶۰ گرم ضرب زد به تدریج در زیر اسم «شکل» یا «سیکل» رایج گردیده و این همان اسمی است که مورخان آن را به نام «درخم ایران» و یا «در یک نقره» نامیدند.

فرماندهان قوای ایران و ساتراپهای که اجازه داشتند سکه بزنند می توانستند نقش صورت خود را بر روی سکه های نقره بکنند. مانند فرناباد، تیسافرن، تریباز، سپهدار، داتام و مازایوس که نقش نیمه تنه یا سوار اسب یا نشسته آنها بر روی سکه منقوش است. گاهی علاوه بر نقش فرمانروایان، تصویر شاهنشاه نیز دیده می شود. مانند سکه یتسافرن در یک طرف سکه نیم تنه او و طرف دیگر تصویر کامل اردشیر دوم نقره شده است.

در دوره هخامنشیان هیچ یک از حکام و پادشاهان محلی حق نداشتند بدون اجازه داریوش به نام خود سکه زنند و حکام و پادشاهان محلی فقط مجاز بودند با اطلاع و اجازه داریوش سکه نقره بزنند و ضرب سکه طلا فقط انحصار به مرکز داشت در زمان هخامنشیان از نقره نیز سکه ای زدند که شکل یا سیکل نام داشته است. چون دریک طلا تنها ۳٪ آلیاژ داشت در چند سده مهمترین سکه جهان و بازرگانی بوده است. سکه دریک از حیث وزن بیشتر از سکه های کرزدس بود که ۸/۱۷ گرم وزن داشته است که داریوش اول این هدف را داشته است که پولهای او دارای وزنی باشد که مورد پسند و قبول شهرهای بازرگانی ایونی واقع شود بنابراین پیدایش دریک از نظر خالص بودن و قد و اندازه بسیار طبیعی و منطقی به نظر می آید.

سکه های شاهی هخامنشی، یعنی دریک سیکل عموماً دارای طرح شبیه به هم می باشند فقط تصویر هر شاهنشاه یادگیری تفاوت دارد و موجب شناختن آنها از یکدیگر می شود. بر روی سکه تصویر نیم تنه شاهنشاه، کمان به دست نقش است یا تصویر شاهنشاه که به صورت کماندار پارسی ترکش بر پشت، یک زانو به زمین زده و بایک دست زوبین را گرفته و یا دست دیگر کمان را می کشد و در نوع دیگر شاهنشاه کمان به دست در حال رویدن است و یا دست دیگر نیزه را که مایل به زمین است، نگه داشته است. زانو زدن شاهنشاه علامت نیایش اهورامزدا است.

سکه دریک بیشتر برای روابط تجاری با یونانیان و گسترش دیگر روابط با یونان و یا ممالک غربی ایران به کار برده می شد و قدرت مالی هخامنشی به قدری زیاد بود که مزد مزدور یا

سربازان خارجی که در خدمت ارتش ایران بودند به کار برده می شد. به هنگام جنگ های خشایار شاه با یونان، هر سرباز در ماه یک در یک حقوق داشت ولی در داخل امپراتوری هنوز داد و ستد جنسی معمول بود و در تجارت و بازرگانی نقره و طلا را با وزن به کار می بردند حتی برای مالیات که ملل تابعه باید جنسی و نقدی سالانه بپردازد. به فرمان داریوش اول باید طلا و نقره را بنا بر وزن تالان پرداخت نمایند سپس سکه هخامنشی آن طور که در خارج از امپراتوری در جریان بود و اساس تجارت بر آن قرار داشت در داخل معمول نبود.

قسمت دیگر سکه هایی که در شاهنشاهی هخامنشی ضرب شده است به پادشاهان جزو امرای محل تعلق دارد. که یا دست نشانده یا مطیع بودند مرتباً مالیات و خراج می پرداختند و بدین ترتیب مراتب وفاداری خود را ثابت می کردند و در موقع لزوم لشکریان مرتبی با تجهیزات منظم برای شرکت در جنگ می فرستادند مانند شاهان فنیقی، امرای کیلیکه، پامفیلی، لیسلی و حکام شهرهای تابع یونانی که با کمال آزادی می توانستند از هر نوع فلز برای ضرب سکه استفاده کنند و از لحاظ نقش نیز اختیار داشتند به دلخواه خود نقوش مربوط به مذهب و خدایان مورد ستایش و خط محلی را به کار ببرند.

ساتراپیهای که اجازه داشتند ضرب سکه زنند می توانستند چهره خود را بر سکه ها نقش کنند یا چهره شاه را نیز بیاورند. لذا مسکوکات ساتراپ های هخامنشی بسیار متنوع با خطوط مختلف و نقوش هنرمندانه است به عنوان مثال خط های روی سکه ها در شهرهای ساحلی آسیای صغیر و مستعمره های یونانی، خط یونانی و در فنیقیه و مستعمره های آن فنیقی و سکه های ساتراپی نیز به خط آرامی بود.

در دوره هخامنشی سکه های مسین و سیمین را شهر بانها ضرب می کردند اما سکه های سیمین را سرداران نیز برای هدفهای نظامی ضرب می کردند.

پیربریان می گوید: هدف داریوش از ضرب سکه سیاسی بوده است زیرا با ضرب این سکه هم تصاویر سلطنتی به طور وسیعی در شاهنشاهی به گردش در می آمد و هم این ابداع، کار داریوش بنیان گذار جدید شاهنشاهی را به نوعی تکمیل می کرد. و این در واقع همان چیزی است که هردوت آن را با نوشتن این عبارت بیان کرده است. داریوش می خواست به مثابه یادمان سلطنت خود چیزی باقی گذارد که شاهی دیگر بر جا نماند بود. بنابراین کار داریوش در اساس اقتصادی به مفهوم امروزی آن نیست هدف داریوش از این اقدام بیشتر به دست دادن نمونه ای از قدرتش و افزودن بر اعتبارش تا پرداخت مخارجش.



## Archive of SID

در اواخر عهد هخامنشی، دو در یکی نیز ضرب شده و بر روی سکه های داریوش نقش یک کماندار پارسی که همان پادشاه بود حک می شد از آن پس یونانیها به دریک نام عمومی «کماندار» را دادند.

در دوره داریوش سوم دودریکی که به وزن ۱۶/۸۰ گرم و نیم در یکی که نصف دریک بود و از لحاظ نقش نیز مختصر تفاوتی یا دریک و سیکل داشت ایجاد گردید. بر سکه های دودریکی، یا شیارهای موج یا نقش دو هلال یا نقش قسمت جلو کشتی دیده می شود و بر سکه های دریک داریوش سوم، تصویر شاهنشاه مانند شاهان قبل از او نیزه به دست ندارد. بلکه به جای نیزه خنجر به دست گرفته است.

### مشخصات سکه های پادشاهان هخامنشی

داریوش اول (۴۸۶-۵۲۱ ق.م)

روی سکه: نقش نیم تنه داریوش اول و نیم رخ شاهنشاه با ریش بلند که تا روی سینه آمده و بینی کشیده و متناسب و موهایی که بر پشت گردن گرد آمده است و بر روی سر تاج نسبتاً کوتاهی که دارای پنجره کنگره می باشد دیده می شود.

پشت سکه: فرورفتگی نامنظم (نقره)

وزن سکه: ۵/۴۵ گرم

خشایار شاه (۴۶۵-۴۸۶ ق.م)

روی سکه: نقش معمولی سکه های شاهنشاهی اختلاف تصویر این شاهنشاه با تصویر داریوش اول به واسطه بزرگی سر و برجستگی گونه و ریش بلند نوک تیز واضح است.

پشت سکه: فرورفتگی نامنظم مستطیلی شکل (نقره)

وزن سکه: ۵/۵۵ گرم

اردشیر اول (۴۲۴-۴۶۵ ق.م)

سکه های اردشیر اول با جزئیات کمی نسبت به سکه های پدرش خشایار اختلاف مختصر دارد. روی سکه: نقش معمولی شاهنشاهی، تاج کمی بلند تر از تاج خشایارشا و ریش مرتب مستقیم تا روی سینه آمده است و موهای سر در پشت گردن برگشته و انبوه می باشد.

پشت سکه - فرورفتگی نامنظم در وسط (نقره)

وزن - ۵ گرم

خشایار شاه دوم پسر اردشیر اول (۴۲۴ ق.م)

از خشایار شاه دوم سکه ای به دست نیامده زیرا مدت سلطنت او بیش از چند ماه نبوده است .

داریوش دوم (۴۰۴-۴۲۴ ق.م)

روی سکه -نقش معمولی شاهنشاهی ، نیم رخ داریوش دوم با ریش مجعد و درهم و موهای ترک ترک در پشت گردن به موازات هم ریخته شده است و بر روی سر سکه و تاج بلند با دندانهای نوک تیز قرار دارد و قیافه او شکسته و پیر است .

پشت سکه - مانند سکه های اردشیر اول

وزن - ۴/۹۵ گرم

اردشیر دوم (۳۵۸-۴۰۴ ق.م)

برای تمیز دادن سکه های اردشیر دوم و صحت تشخیص آنها ، بهترین وسیله مقایسه آنهاست با سکه های سلاطین تابع یا ساتراپهای آن دوره چنانکه از روی سکه های شاه ، صیدا، استراتون اول و تیسافرن و ساتراپ سارد می توان سکه های اردشیر دوم را به خوبی تشخیص داد و تنظیم کرد . روی سکه -نقش معمولی شاهنشاهی ، نیم رخ اردشیر دوم با تاج کوتاه و موهای جمع شده در پشت گردن بر خلاف معمول سکه ای از اردشیر دوم بدست آمده که او را در حال کشیدن کمان نشان می دهد پشت سکه -کنده کاری نامنظم مربعی شکل .

اردشیر سوم (۳۳۶-۳۵۸ ق.م)

روی سکه -نقش معمولی شاهنشاهی نیم رخ اردشیر بلند تیز یا موهای پر پشت که گوشها و پشت گردن را به خوبی پوشانده است و تشخیص سکه های این شاهنشاه یا مقایسه سکه های سلاطین ممالک تابع مثل اوراگوس روم که در یک طرف سکه نقش اردشیر سوم می باشد بسیار سهل است.

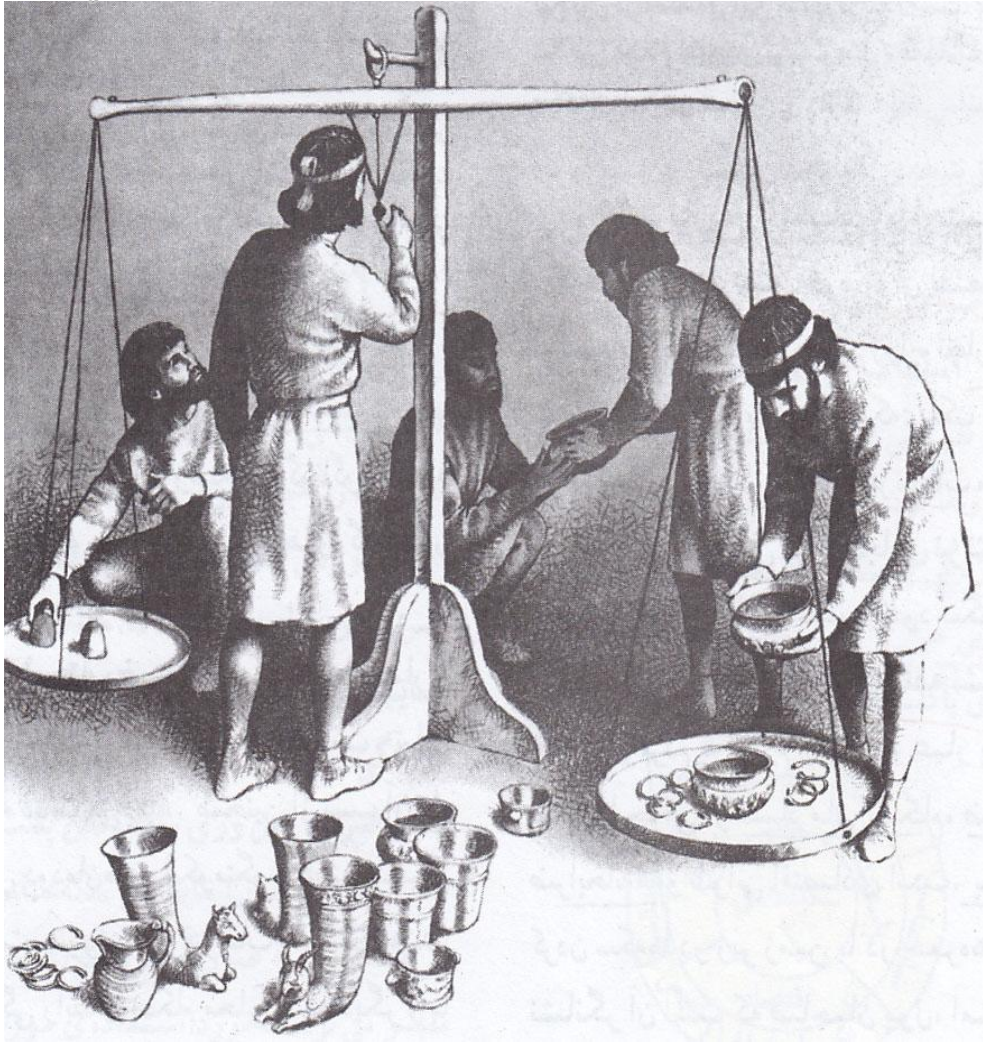
پشت سکه فرورفتگی نامنظم .

آرسس (۳۳۶-ق.م)

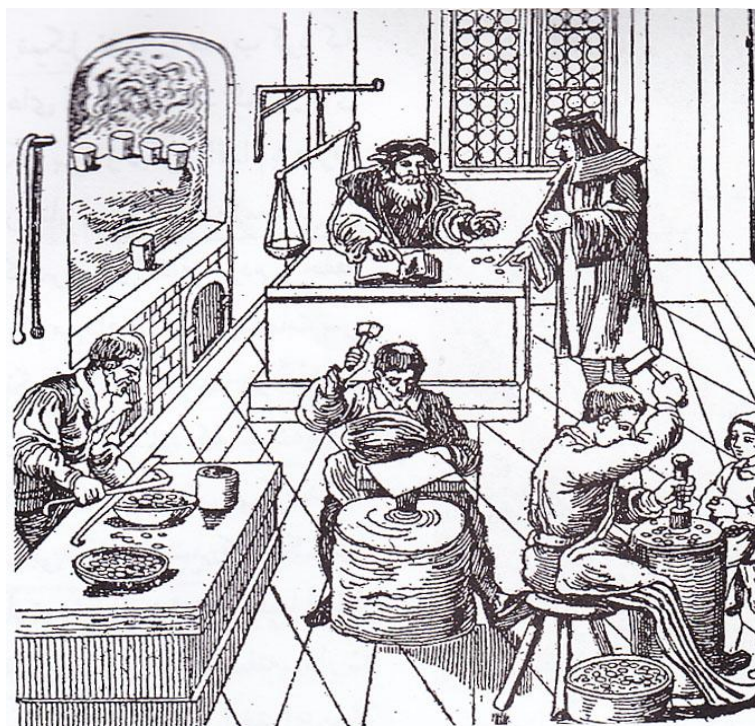
این شاهزاده که پس از مرگ پدر برای مدت کوتاهی به سرپرستی باگو آس خواجه به سلطنت رسید به دست همان خواجه کشته شده به طور یقین دارای سکه بوده است و به همین دلیل ارنست بابلون چند سکه نقره هخامنشی را که نقش معمولی شاهنشاه را با صورتی عریض و بینی بزرگ و ریش بلند دارد . به او منتسب می داند .

داریوش سوم (۳۳۱-۳۳۶ ق.م)

این شاهنشاه علاوه بر دریک و شکل ، دودریکی و نیم دریکی نیز سکه زده و نقش روی سکه بیشتر به وضع معمولی می باشد گاهی کماندار که شخص شاهنشاه است به جای نیزه خنجر به دست گرفته است . در پشت سکه برای نخستین بار به جای مربع فرورفته نامنظم ، دو هلال و برجستگیهای موجی شکل یا قسمتی از بدنه نقره گردیده است.



اندازه‌گیری وزن اشیای فلزی به عنوان واحد پول در دوره هخامنشی



ضرب سکه در ضرابخانه



نمونه‌هایی از شکل‌های مختلف پول از قدیم تا کنون

### نتیجه

داریوش یکم هخامنشی سکه‌های دریک طلا و شیکل نقره را ضرب کرد که کهن‌ترین سکه‌های ایرانی است. کشورهای دیگر جهان نیز یکی پس از دیگری اقدام به ضرب سکه کردند. ولی در دوره هخامنشی آن هم زمان داریوش سکه‌ها بیشتر جنبه‌ی سیاسی داشت تا سندی از خود برای پادشاهان بعدی به جا بگذارد. چون ضرب سکه در این دوران کمتر در فعالیت‌های اقتصادی پادشاهان هخامنشی نقش داشته است. زیرا مبادله کالا هنوز هم رواج داشت. سکه‌های هخامنشی تاریخ ضرب سکه ندارد. و بیشتر از نقش روی سکه می‌توان آنها را مشخص کرد. مثل سکه‌ی دریک هخامنشی که تصویر تیراندازی بر روی آن حک شده که با این مشخصات می‌توان تشخیص داد که هر کدام از سکه‌ها مربوط به کدامیک از پادشاهان دوره‌ی هخامنشی می‌باشد. و با مطالعه دقیق‌تر روی سکه‌های به جا مانده از این دوران می‌توان اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی آن عصر را همه‌جانبه‌تر بررسی کرد. و باید از سکه‌ها به عنوان یک سند مکتوب به خوبی مواظبت و مراقبت به عمل آید. زیرا آسیب‌ها (نظیر ساییدگی، زنگ‌زدگی، شکستگی) اشتباه در خواندن، عدم دسترسی فراوان، عدم اطلاع از محل کشف سکه‌ها و احتمال جعل سکه می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- اومستد (۱۳۸۰)، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی - ترجمه دکتر محمد مقدم ، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۲- بابلون ، ارنست ، (۱۳۵۸)، سکه های ایران در دوران هخامنشی ، ترجمه ملک زاده بیانی و خانابایا بیانی ، سلسله انتشارات انجمن، آثار ملی، تهران، آبا نامه.
- ۳- بریان، پی یر، (۱۳۷۷)، امپراطوری هخامنشی ، ج اول ، ترجمه مهدی سمسار، انتشارات چاپخانه موسوی، شیراز .
- ۴- بهمنش ، احمد ، (۱۳۷۴)، تاریخ ملل قدیم آسیای غربی از آغاز تاروی کار آمده پارس ها ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ پنجم.
- ۵- بیانی ، شیرین ، (۱۳۸۱)، تاریخ ایران باستان (۲)، انتشارات سمت.
- ۶- بیانی ، ملک زاده ، (۱۳۸۵)، تاریخ سکه از قدیمی ترین ازمه تا دوره ساسانیان ، ج ۱ و ۲، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ هفتم.
- ۷- پیرنیا ، حسن ، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه ، انتشارات خیام ، چاپ نهم.
- ۸- دندامایف، م.آ. ، (۱۳۷۳)، تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان ، ترجمه خشایار بهاری - نشر کارنگ - چاپ اول .
- ۹- دوبواز ، نیلسون ، (۱۳۴۲)، تاریخ سیاسی پارت ، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات ابن سینا.
- ۱۰- دیاکونف ، میخائیل ، میخائیلوویچ ، (۱۳۸۲)، تاریخ ایران باستان ، ترجمه ، روحی ارباب ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۱۱- دیانت، ابوالحسن ، (۱۳۶۷)، فرهنگ تاریخی سنجش ها و ارزش ها ، جلد دوم ، انتشارات نیما ، تبریز، چاپ اول.
- ۱۲- راستد محصل ، محمد تقی، (۱۳۸۰)، کتیبه های ایران باستان ، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی ، چاپ دوم.
- ۱۳- راوندی ، مرتضی ، (۱۳۸۳)، تاریخ اجتماعی ایران ، ج اول ، انتشارات نگاه ، تهران، چاپ چهارم.
- ۱۴- سامی ، علی، (۱۳۴۳)، تمدن هخامنشی ، جلد دوم، انتشارات چاپخانه موسوی، شیراز .



- ۱۵- سرپرستی سایکس ، (۱۳۷۰)، تاریخ ایران ، ج ۱، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی ، جاول -دنیای کتاب.
- ۱۶- سرفراز ، علی اکبر ، آور زمانی ، فریدون، (۱۳۸۵) سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه ، انتشارات سمت ، چاپ پنجم.
- ۱۷- فرای، ریچارد، (۱۳۷۷)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
- ۱۸- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام ، ترجمه محمد معین ، انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ دهم.
- ۱۹- مشکور ،محمدجواد ، (۱۳۸۱)، تاریخ ایران زمین ، انتشارات صفار اشراقی ، چاپ هفتم.
- ۲۰- نلسون فرای- دیجارد ، (۱۳۸۵)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا ، انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ هفتم.
- ۲۱- هردوت، تواریخ - (۱۳۸۰)، ترجمه وحید مازندرانی ، انتشارات افراسیاب ، چاپ دوم.
- ۲۲- هوار ، کلمان، (۱۳۸۴)، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، امیر کبیر ، چاپ چهارم.